

## سناریوی آمریکا برای مهار چین

سید محمد کاظم سجادی پور  
تحلیلگر مسائل بین الملل

روابط بین‌المللی مجموعه و منظومه‌ای از کنشگران، چگونگی کنش بین کنشگران و محیط و فضای کنش آنهاست. کنشگران با هم و با علیه هم کنش می‌کنند. این کنش‌ها، بعضا ماهیتی صلح آمیز داشته و بعضا خصم آمیزند. در این میان ائتلاف و اتحاد بین کنشگران، موضوعی جدی و در خور توجه سیاست خارجی است. از آنجا که روابط بین‌المللی، پدیده‌ای پویا و سیال است، با توجه به نوسان‌هایی که در مناسبات قدرت بین کنشگران مختلف در حال انجام است، این پرسش جلب نظر می‌کند که چگونه می‌توان موضوع و پدیده ائتلاف و اتحاد در روابط بین‌الملل معاصر را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ در پاسخ سه مبحث قابل طرح می‌باشند: «پایداری و پیوستگی اتحادها و ائتلاف‌ها در روابط بین‌المللی»، «شکل‌ها و صورت‌های مختلف اتحاد و ائتلاف در روابط بین‌المللی» و «بناهای نوین ائتلاف و اتحاد در مناسبات جهانی». ائتلاف و اتحاد پدیده‌ای پایدار در تاریخ مناسبات قدرت در جهان است. واحدهای سیاسی مختلف، در ائتلاف و اتحاد با یکدیگر توانمندتر می‌شوند و قدرت و هویت خاصی پدید می‌آیند. شاید مهم‌ترین اتحادی که بسیار بدیهی قلمداد می‌شود، ایالات متحده آمریکا باشد. آمریکا یک اتحادیه از مجموعه کشورهایانه ایالات‌هاست. در ترجمه‌های دهه‌های سی و چهل شمسی در برخی از متون حقوقی و قراردادها منجمله قرارداد دفاعی ۱۹۵۹ آمریکا و ایران، از عبارت «مالیک متحده آمریکا» به معنای مملکت‌های متحده استفاده شده است. آمریکا در واقع در ابتدا اتحادی از ۱۳ کشور بود که بعدها اتحادی از ۵۰ کشور تبدیل شد. اما تاریخ اتحادها و ائتلاف‌ها منحصر به ایالات متحده نیست و قرن‌ها پیش از تأسیس آن کشور، در ایران، سه قوم پارس، ماد و پارت، با اتحاد و ائتلاف، به روندی شکل دادند که به تأسیس یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های تاریخ جهان یعنی هخامنشیان انجامید. ریشه‌دار بودن اتحادها و ائتلاف‌ها در تاریخ روابط بین‌المللی، بستگی به تعریف خود و دشمن دارد. لذا هویت و منفعت، دو مفهوم مرکزی، در شکل دادن و تدویم اتحادها و ائتلاف بوده است. در تاریخ مناسبات بین‌المللی، جنگ‌ها، اتحادها و ائتلاف‌ها شکل داده‌اند. دو جنگ مغرب و سرنوش‌ساز اول و دوم جهانی، حول اتحادها و ائتلاف‌ها، راه افتاده‌اند و به پایان رسیدند. جنگ سرد هم براساس اتحادها و ائتلاف بود و جالب آنکه در دوران پسا جنگ سرد، یعنی در بیش از سه ده گذشته، پایداری ائتلاف‌ها و اتحادها، در حوزه‌های گوناگون در قالب نهادهای رنگارنگ بین‌المللی نمایان است. اتحادها و ائتلاف‌ها، صورت‌های مختلف دارند، حداقل دو صورت بندی قابل ذکرند: اتحادها و ائتلاف‌های دوجانبه و اتحادها، ائتلاف‌های چند جانبه در بعد دوجانبه تعدادی از کنشگران با قدرت‌های بزرگ ائتلاف‌های نظامی را دنبال کرده‌اند. شاید مهم‌ترین اتحاد نظامی، همکاری بین ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی باشد. آنچه که در غزه و لبنان، از کشتار مردم شاهدیم، بازتاب و نمودی از این اتحاد نظامی است. اما به هیچ رو این منحصر به آمریکا و رژیم صهیونیستی نیست. آمریکا، بیش‌ترین اتحادها و ائتلاف‌های نظامی در دنیا را به صورت دوجانبه داراست به گونه‌ای که می‌توان از مجموعه و منظومه‌های اتحادهای دوجانبه نظامی آمریکا با کشورهای مختلف سخن گفت. هرکدام از اتحادها و ائتلاف‌های نظامی و اجتماعی آمریکا، برای خود، تاریخ‌نشین و فرازی دارند. یکی از عمده‌ترین آنها اتحاد نظامی آمریکا و ژاپن است که در ۱۹۵۲-۱۹۵۱ جرایمی شد و پایانی بر اشغال نظامی آمریکا در فاصله ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۲ بود. اما این پیمان نظامی، در واقع به شکل و ماهیت نظام سیاسی ژاپن بعد از جنگ دوم انجامید و تصویب قانون اساسی آن کشور، و براساس ماده ۹ آن، ژاپن از داشتن سلاح‌های تهاجمی محروم شد. در منطقه غرب آسیا و خاورمیانه نیز اتحادهای دوجانبه آمریکا، با شرکای عرب، همکاری امنیتی منطقه از نظر واکنشگر در شکل داده است و جالب آنکه برخی از دوستان آمریکا در منطقه خاوران تعمیق اتحاد نظامی بیشتر با آن کشور می‌باشند. باید گفت که قدرت‌های بزرگ دیگر نیز اتحادها و پیمان‌های نظامی دوجانبه را دنبال کرده‌اند و می‌کنند. اتحاد نظامی روسیه با بلاروس و اتحاد چین با کره شمالی و پاکستان نمونه‌هایی از این نوع اتحادها و ائتلاف‌ها هستند. صورت چند جانبه اتحادها و نظامی نیز باید مدنظر قرار گیرد. ناتو یک اتحادیه نظامی است که در بیش از هفتاد سال تاریخ خود، روزبه‌روز گسترش یافته است. جالب آنکه پیمان ورشو که در ۱۹۵۵ در مقابل با ناتو در بلوک شرق تأسیس شد و با پایان جنگ سرد در ژوئیه ۱۹۹۱ به حیات خود پایان داد، گزارشی در مورد لزوم فقط باقی ماند، بلکه گسترش یافته و در بیانه سران خود در ژوئیه سال جاری یعنی ۲۰۲۴ در واشنگتن، به نحوی به لزوم گسترش کار خود به حوزه اقیانوس آرام و هند نیز پرداخت. ناتو، به عنوان اتحاد دو ائتلافی نظامی، یکی از عمده‌ترین تغییرها در راه افتادن و تدوام جنگ اوکراین است. ائتلاف‌ها و اتحادها در دوران افتادن و تدوام جنگ اوکراین، نماها و نمودهای نوینی یافته‌اند. در یک نگاه کلان، در عین تدوام ائتلاف و اتحادهای نظامی، واژگان ائتلاف و اتحاد برای حوزه‌ها و سپهرهای غیرنظامی نیز به کار برده می‌شود. کشورهایی چون اسپانیا و ترکیه در سال‌های اولیه قرن بیستم «ائتلاف تمدن‌ها» را راه‌اندازی کردند و بعداً این تبدیل به نهادی در مجموعه ملل متحد شد. کوفی عنان، دبیرکل وقت سازمان ملل در ۲۰۰۵، گزارشی در مورد لزوم ائتلاف تمدن‌ها داد و چند سال بعد نماینده ویژه‌ای برای ائتلاف تمدن‌ها از سوی دبیرکل منصوب شد. یکی دیگر از صورت‌های نوین، اتحادها و ائتلاف‌های پدیده‌ای است که از آن با عنوان «چند جانبه‌گرایی کوچک یاد می‌شود. ائتلاف‌هایی چون کواد (آمریکا، ژاپن، استرالیا و هند)، ائتلاف سه جانبه (کره جنوبی، آمریکا و ژاپن) در زمره این چند جانبه‌گرایی‌های کوچک و محدودند. به نظر می‌رسد که هدف این چند جانبه‌گرایی‌های کوچک مخصوصاً در شرق آسیا، مهار و جلوگیری از رشد چین توسط آمریکا است. هرچه هست، ائتلاف و اتحاد، جز پایدار روابط بین‌المللی است و بدون در نظر گرفتن ماهیت قدرت‌ساز و هویت‌پرداز آن در طول تاریخ روابط بین‌المللی و تحول و دگرگونی آن در نشیب و فرازهای قدرت در جهان معاصر، سیاست جهانی قابل درک نیست.

محمد سلامتی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## پزشکیان هم آماده مقاومت باشد و هم آماده مذاکره

زمین بازی دولت پزشکیان مشاع شده است

اصلاح طلبان بازگردان اصلی

دولت پزشکیان نیستند

«آرمان ملی» - احسان انصاری: محمد سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران بوده است. وی همچنین در دولت‌های رجایی و موسوی در مقام وزیر کشاورزی خدمت کرده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های داخلی و خارجی دولت پزشکیان و رویکرد اصلاح طلبان نسبت به دولت پزشکیان با وی گفت‌وگو کرده است. سلامتی در این زمینه معتقد است: «بدون تردید برای تحقق شعارهای آقای

جریان اصلاحات در دولت پزشکیان در کجای بازی قرار دارد؟ آیا اصلاح طلبان صحنه گردان اصلی بازی پزشکیان خواهند بود؟

به نظر می‌رسد اگرچه تعداد اصلاح طلبان در دولت آقای پزشکیان رقم قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، اما صحنه‌گردان اصلی محسوب نمی‌شوند. نظرات آقای پزشکیان مبنی بر ضرورت تحقق وفاق ملی و به تبع آن ایجاد انگیزه و حق اعمال نظر از سوی اردوگاه اصولگرایان در اتخاذ تصمیم‌ها، باعث شده است تأکیدان بازی به شکل مشاعی جلوه‌گر شود، اما آنچه که مسیر کار را روشن می‌کند، ضرورت هماهنگی و وحدت عمل همه عناصر منصوب از جناح‌های مختلف توسط مجموعه تیم آقای پزشکیان برای تحقق شعارها و وعده‌های داده شده ایشان است.

در چنین شرایطی دولت پزشکیان برای جریان اصلاحات در راستای بازنگری در گفتمان خود فرصت ایجاد نخواهند کرد؟

به نظر من گفتمان اصلاحات و حتی گفتمان هر جناح دیگر، بر اساس یکسری اصول پذیرفته شده جناح بوده و مستقل از دولت‌ها است. بازنگری در آن‌ها وابسته به تحولات بنیادین در جامعه است.

آیا دولت پزشکیان می‌تواند یک فرصت تاریخی برای تجدید قوا و احیای جریان اصلاحاتی باشد که در دهه‌های اخیر پایگاه اجتماعی خود را از دست داده است؟

خیر. دولت آقای پزشکیان می‌تواند تا حدودی انگیزه تحرک اصلاح طلبانه را تقویت کند، اما نمی‌تواند منتهی به احیای همه جانبه پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان گردد.

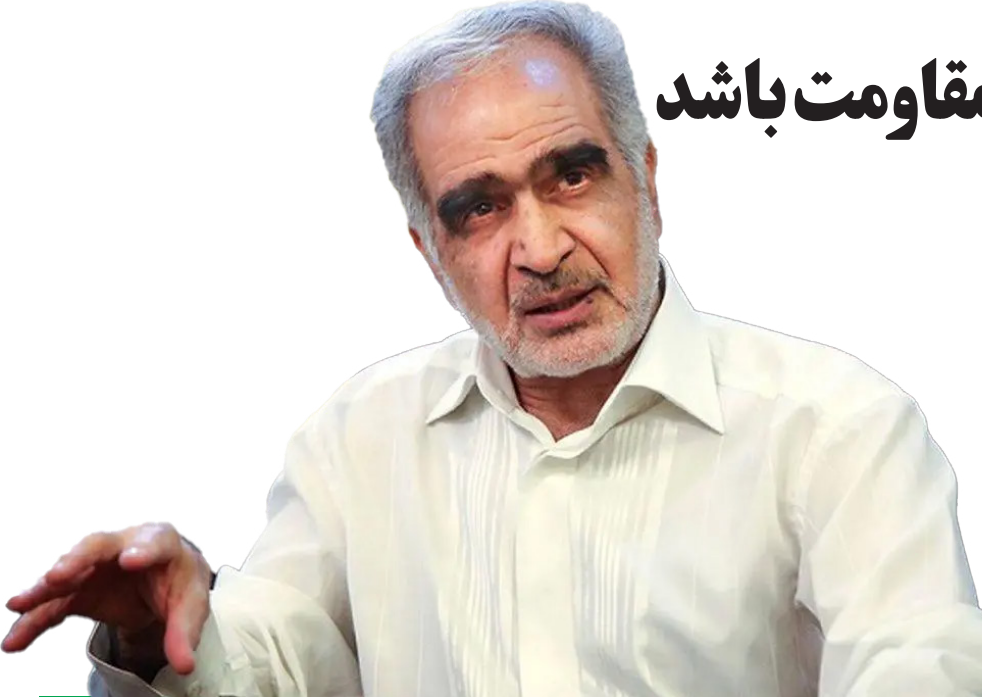
در چنین شرایطی حدود نزدیکی و فاصله‌گیری اصلاح طلبان از دولت پزشکیان کجاست؟ اصلاح طلبان تا کجا و به چه میزان از دولت پزشکیان حمایت خواهند کرد؟ من فکر نمی‌کنم اصلاح طلبان برای حمایت از دولت آقای پزشکیان محدودیتی قائل شوند. آن‌ها به هر طریق ممکن دنبال کمک به این دولت هستند. البته وظیفه خود می‌دانند که اشکالات کار رانیز به دولت یادآوری کنند. در واقع حمایت تام و اتقاد سازنده در دستور کار اصلاح طلبان قرار خواهد گرفت.

پزشکیان مدعی دولت وفاق ملی و توسعه سیاسی است. در حالی که در گذشته تاریخی اصلاح طلبان جامعه مدنی و توسعه سیاسی بوده است. آیا این دورویکرد مسیر پزشکیان را از اصلاح طلبان جدا می‌کند و یا اینکه در نهایت به یک نتیجه مشترک می‌رسد؟

در بطن مفهوم توسعه ملی، توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نهفته است. لذا اهداف دولت آقای پزشکیان و اهداف اصلاح طلبان یکی است و مغایرتی با هم ندارند. وفاق ملی هم اگر در جهت کمک به تحقق و شعارها و برنامه‌های آقای پزشکیان باشد، می‌تواند مکمل این اهداف باشد.

اصلاح طلبان برای نزدیکی به هسته‌های قدرت، چندان تلاش نمی‌کنند و سعی داشته‌اند فاصله خود را با قدرت حفظ کنند، اما رویکردی که آقای پزشکیان در پیش گرفته به گونه‌ای است که نگرانی از تغییر در این راهبرد نزدیک شدن محض به قدرت ندارد. در چنین شرایطی بین اصلاح طلبان و دولت چهاردهم فاصله ایجاد نخواهد شد؟

اصلاح طلبان همان‌طور که از اسامشان برمی‌آید، همواره در تلاش بوده‌اند تا فاصله خود را با قدرت کم کنند. اما تا به حال موفق نشده‌اند. اینکه آقای پزشکیان به قول شمارویکرد نزدیک



پزشکیان، عناصر اصلاح طلب بیشتر مفید و مؤثرند، اما شعار وفاق ملی که با فرانت آقای پزشکیان به معنی به کارگیری عناصر اصولگراست، کار را پیچیده‌تر می‌کند. یعنی کار را به کسی بسیاری که به آن معتقد نیست، اما به نظر من اصلاح طلبان باید شرایط آقای پزشکیان را درک، و در هر صورت ضمن حفظ موضع انتقادی سازنده، به ایشان در جهت نیل به اهداف تعیین شده کمک کنند.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

شدن به قدرت را درپیش گرفته، به نظر من کار خوبی است، چون حل مشکلات فراوان کشور این اقتضار ایجاد کرده است.

ارزیابی شما از روند تشکیل کابینه و اتفاقاتی که رخ داد چیست؟ آیا این نوع تشکیل کابینه می‌تواند به مطالبات مردم پاسخ دهد؟ در این زمینه چه نقاط ضعف و قوتی مشاهده کردید؟

نظرخواهی از تشکل‌ها و احزاب برای انتخاب اعضای کابینه مسبوق به سابقه است. اولین بار در جمهوری اسلامی شهید رجایی از این طریق اکثریت اعضای کابینه خود را انتخاب کرد. ایشان با دریافت پیشنهادهای احزابی مثل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و نیز انجمن‌های اسلامی به خصوص انجمن‌های اسلامی و وزارتخانه‌های این کار را انجام داد. حسن این شیوه کار این است که وقتی رئیس جمهور از اعضای حزب دیگر برای تشکیل کابینه استفاده می‌کند، به دلیل نیاز به پاسخگویی در دولت‌ها، حزبی که افرادش وارد کابینه شده‌اند هم مجبور به پاسخگویی خواهد شد، اما در روند تشکیل کابینه آقای پزشکیان کارگروه‌هایی که تشکیل شد، عمدتاً متشکل از اشخاص حقیقی بود. گرچه در نهایت از احزاب و تشکل‌های سیاسی در این زمینه نظرخواهی شد، اما کار اصلی و سرنوش‌ساز را این گروه‌ها انجام دادند. طبیعی است که در این گروه‌ها نقطه نظرهای اشخاص و بعضاً گروه‌های بی‌نام و نشان محور بحث قرار می‌گیرد و در نهایت مصوبات هیچ‌گونه پشتوانه تشکیلاتی قابل قبول ندارد. این مصوبات حتی می‌تواند نتیجه برخی بده بستن‌های خصوصی باشد. به نظر من بهتر بود آقای پزشکیان از همان ابتدای امر در این زمینه فقط نظر احزاب و گروه‌های رسمی را می‌گرفت. در این صورت اساس فرایند انتخاب اعضای کابینه، در داخل احزاب انجام می‌گرفت.

انتخاب استاندارانی که با دولت همسو نیستند و با واکنش فعالان سیاسی برخی استان‌ها مواجه شده‌اند چه پیامدهایی برای دولت خواهد داشت؟

استانداران از اختیارات زیادی در استان برخوردار هستند. از انتخاب فرمانداران گرفته تا اعمال نظر در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. آقای پزشکیان شعارها و برنامه‌هایی را در مورد امور سیاسی و فرهنگی اعلام کرده است که مصر بر اجرای آن‌هاست. این شعارها و برنامه‌ها عمدتاً در نقطه مقابل دیدگاه اصولگرایان قرار می‌گیرد. لذا در حالت عادی طبیعتاً عملکرد استانداران و مدیرانی که همسو با آقای پزشکیان نیستند، مانع جری تحقق برنامه‌های ایشان خواهد بود که نقض غرض است. لذا لازم است که آقای پزشکیان به هر دلیلی که استاندارد غیر همسو انتخاب می‌کند، اولاً الزام به اجرای برنامه‌ها را تا تکمیل کند و ثانیاً عملکرد آن‌ها را رصد کند تا به محض عدول از برنامه‌ها اختطار و در صورت لزوم او را کنار بگذارد. آقای پزشکیان باید شرایط خود را به استانداران و مدیران غیر همسو گوشزد کند.

آیا نوع انتخاب مدیران در دولت پزشکیان نمی‌تواند بین اصلاح طلبان و دولت فاصله ایجاد کند؟

در بطن مفهوم توسعه ملی، توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نهفته است. لذا اهداف دولت آقای پزشکیان و اهداف اصلاح طلبان یکی است و مغایرتی با هم ندارند

بدون تردید برای تحقق شعارهای آقای پزشکیان، عناصر اصلاح طلب بیشتر مفید و مؤثرند، اما شعار وفاق ملی که با فرانت آقای پزشکیان به معنی به کارگیری عناصر اصولگراست، کار را پیچیده‌تر می‌کند. یعنی کار را به کسی بسیاری که به آن معتقد نیست، اما به نظر من اصلاح طلبان باید شرایط آقای پزشکیان را درک، و در هر صورت ضمن حفظ موضع انتقادی سازنده، به ایشان در جهت نیل به اهداف تعیین شده کمک کنند.

به قدرت رسیدن مجدد ترامپ چه تأثیری بر اقتصاد و اهداف دولت پزشکیان خواهد داشت؟

اگرچه اصول سیاست خارجی آمریکا با سازوکاری مشخص توسط بعضی از نهاد‌های علمی آن کشور صورت می‌گیرد و رؤسای جمهور خیلی در آن نقش ندارند و عملاً مجری‌اند، ولی تجربه نشان داده است که رؤسای جمهور در محدوده اختیارات خود طوری اعمال نظر می‌کنند که گاهی اعمالشان مغایر من نشان داده می‌شود. مثلاً سیاست‌های ترامپ در دوره پیشین ریاست جمهوری‌اش در قبال ناتو، معاهده آب و هوایی، ایران و... کاملاً متفاوت با سیاست‌های رؤسای جمهوری قبل و بعد خود بود. او دنبال کاهش تعهدات آمریکا در قبال ناتو، خارج شدن از معاهده آب و هوایی و خارج شدن از برجام بود، اما رؤسای جمهور قبل و بعد او نظراتی کاملاً مغایر با نظرات ترامپ داشتند. بنابراین باید پذیرفت که ریاست جمهوری‌های آمریکا می‌توانند با اعمال نظر شخصی خود در عرصه قدرت ظاهر شوند. در دوره گذشته تیمی که ترامپ انتخاب کرده بود، تندترین مواضع را علیه ایران داشتند. این تیم نه فقط آمریکا را از برجام خارج کرد، بلکه برای گفت‌وگو جهت حل مسائل، دوازده پیش شرط غیر قابل قبول قبول گذاشت. اکنون اگر ترامپ بر همان مواضع باشد، احتمال اینکه تحریم‌ها را بیشتر کند وجود دارد. این امر از آن‌جا بیشتر نگران‌کننده است که در اسرائیل که در واقع خط دهنده اصلی به دولت آمریکا در خصوص ایران بوده، درحال حاضر برخلاف دوره قبل ترامپ، دولتی افراطی حاکم است که می‌تواند از طریق لابی صهیونیستی در آمریکا نظرات افراطی خود را به دولت آمریکا تحمیل می‌کند. اما نکته مهمی که وجود دارد این است که ترامپ می‌داند که فشارهای دولت قبلی به ایران نتیجه عکس داده است. از آنجا که خوی ترامپ تاجر منشانه است، این احتمال هست که در شیوه قبلی خود تجدید نظر کند. این نکته می‌تواند از طریق هنر دیپلماسی، محوری برای مانور تلقی شود.

پزشکیان در مقابل ترامپ چه رویکردی در پیش خواهد گرفت و چه چشم‌اندازی بین ایران و ترامپ در آینده مشاهده می‌کنید؟

باید منتظر ماند و دید که ترامپ چه تیمی برای اعمال سیاست خارجی خود انتخاب می‌کند. آیا مثل گذشته تندرو و افراطی بوده و موضعی تهاجمی علیه ایران دارند؟ اگر موضع تهاجمی داشته باشند احتمالاً همان سیاست فشار حداکثری را علیه ایران اعمال می‌کنند که به معنی نفی هر نوع مذاکرات است. حتی احتمال دارد برای مذاکره همان پیش شرط‌های غیر قابل قبول را مطرح کنند. در این صورت آقای پزشکیان باید کشور را برای یک مقاومت همه جانبه آماده کند، اما اگر ترامپ تیمی انتخاب کند که متعادل باشند و موضع تندی علیه ایران نداشته باشند، شرایط برای مذاکرات سود بخش فراهم می‌شود. در این صورت آقای پزشکیان باید خود را برای فرایند مذاکرات آماده کند. منطق می‌گوید گرچه ترامپ عنصری غیرقابل پیش بینی است، اما چون تاجر مسلک است باید از گذشته درس گرفته و در شیوه برخورد خود با ایران تجدید نظر کرده باشد.

وکلای موسسه‌ای است دارای شخصیت حقوقی از حیث نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عواید و مخارج مستقل است و در ماده ۴۰ این قانون ذکر شد که کانون هر محل به وسیله هیاتمدیره اداره خواهد شد و هیاتمدیره عبارت است از یک رئیس و پنج الی دوازده عضو که وزیر عدلیه از بین کاندیدات خواهد شد، بنابراین همچنان از نظر نظامات کانون تابع وزارت عدلیه بود. دکترمحمد مصدق که خود تحصیلکرده حقوق بود، پیشنهادهای نخست وزیر را در ششم اردیبهشت ۱۳۳۰ مشروط به تصویب قانون خلع ید از انگلیسیها پذیرفت یکی از خدمات دکتر مصدق به نظام قضائی ایران تصویب و ابلاغ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری در مورخه هفتم اسفند ۱۳۳۱ بود که این لایحه در پنجم اسفند ماه ۱۳۳۲ به تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین رسید.

توسعه جزایر ایرانی مقابله با توهم امارات

### گردشگری و اقتصاد جزایر سه‌گانه

چندی پیش امارات و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا بیانه‌ای صادر کرده و از ایران خواسته‌اند که به آنچه «اشغال» جزایر سه‌گانه ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی می‌نامند، پایان دهد. این بیانه در تضاد با اسناد تاریخی و رسمی بین‌المللی است که مالکیت این جزایر را به صراحت متعلق به ایران می‌دانند، اما داستان این جزایر چیست و چرا امارات متحده عربی ادعای مالکیت بر آن‌ها دارد؟

#### اهمیت جزایر سه‌گانه

موقعیت استراتژیک جزایر سه‌گانه و قرار گرفتن آن‌ها در مجاورت تنگه هرمز، اهمیت این منطقه را برای کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی دوچندان کرده و به همین دلیل اختلافات بر سر مالکیت این جزایر همواره مسأله‌ای حساس و پیچیده بوده است. تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین نقاط تجاری و نظامی جهان محسوب می‌شود. این تنگه به عنوان شاهراه تجارت نفت، روزانه حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از نفت جهان را جابه‌جایی می‌کند و به همین دلیل کنترل جهان برای کشورهای منطقه و حتی قدرت‌های جهانی اهمیت زیادی دارد. این جزایر در نزدیکی خلیج فارس و تنگه هرمز واقع شده‌اند و به عنوان پایگاه‌های دفاعی ایران در این ناحیه عمل می‌کنند. موقعیت استراتژیک این جزایر به ایران اجازه می‌دهد که در صورت وقوع تهدیدات نظامی یا بروز تنش‌های منطقه‌ای از مرزهای آبی خود دفاع کند و امنیت خلیج فارس را تأمین کند. اگر ایران کنترل این جزایر را از دست دهد، بخش مهمی از نفوذ و قدرت نظامی خود را در تنگه هرمز و خلیج فارس از دست خواهد داد.

#### مقابله با ادعای امارات

باتوجه به اهمیت این جزایر و ادعاهای مکرر امارات، ایران می‌تواند چند اقدام اساسی را در جهت حفظ مالکیت خود و مقابله با این ادعاها انجام دهد. یکی از اقدامات مهم، تقویت دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی است. ایران می‌تواند با برقراری روابط دیپلماتیک قوی‌تر با کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی، مشروعیت خود را در این زمینه تثبیت کند و از آن به عنوان ابزاری برای حل تنش‌ها بهره‌گیرد. ارائه مستندات تاریخی و حقوقی که مالکیت ایران بر این جزایر را به اثبات می‌رساند نیز می‌تواند موضوع ایران را تقویت کرده و نشان دهد که این جزایر همواره بخشی از خاک ایران بوده‌اند. تقویت حضور نظامی و امنیتی در این جزایر نیز راهکاری دیگر برای ایران به شمار می‌آید. این اقدام بیامی قاطع برای تأکید بر مالکیت ایران بر جزایر و مقابله با هرگونه تهدید خواهد بود. همچنین، ایران می‌تواند از طریق سازمان‌های بین‌المللی و نهادهایی مانند سازمان ملل، ادعاهای خود را به‌طور رسمی مطرح کرده و به جهان ثابت کند که این جزایر همواره بخشی از خاک ایران بوده‌اند. آگاهی بخشی عمومی نیز اقدامی مؤثر برای اطلاع‌رسانی به مردم ایران و دیگر کشورهای رباره اهمیت این جزایر، تاریخچه آن‌ها و اهمیت سیاسی و اقتصادی مالکیت بر آن‌ها است. با توجه به این شرایط و اهمیت راهبردی جزایر سه‌گانه، به نظر می‌رسد که ایران باید هم‌زمان از ابزارهای دیپلماسی، حقوقی و نظامی برای حفظ و تثبیت مالکیت خود بر این جزایر استفاده کند و از منافع ملی و امنیت خود در برابر هرگونه تهدید یا ادعای بی‌اساس دفاع نماید. اما مهم‌تر از همه این‌ها این است که دولت این جزایر سه‌گانه رو توسعه دهد به طوری که ایران نه تنها با توسعه اقتصادی جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی حضور خود را در این مناطق استراتژیک تثبیت می‌کند بلکه با ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، اشتغال‌زایی و جذب سرمایه‌ها از مزایای اقتصادی این جزایر نیز بهره‌مند می‌شود. دولت می‌تواند زیرساخت‌هایی نظیر بنادر مجهز برای بازرگانی و تخلیه کالا، فرودگاه‌های کوچک و پایانه‌های دریایی بین‌المللی را در این جزایر احداث نماید. از آنجا که این جزایر به تنگه هرمز نزدیک هستند دارای موقعیت ممتازی درای ترانزیت کالا می‌باشند. با بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و تبدیل این جزایر به مرکز ترانزیت منطقه، ایران می‌تواند سهم بیشتری از تجارت دریایی و ترانزیت جهانی را جذب کند و از عواید مالی آن بهره‌مند شود. از سوی دیگر، این زیرساخت‌ها راه را برای تجارت دریایی بیشتر و تقویت صنایع وابسته به بنادر بازی می‌کنند. همچنین تأسیس مناطق آزاد تجاری در این جزایر با معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات تجاری می‌تواند جذابیت اقتصادی زیادی برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی داشته باشند. ایجاد چنین مناطقی باعث می‌شود صنایع جدید و شرکت‌های بین‌المللی به جزایر سه‌گانه وارد شوند و در نتیجه تولید، صادرات و اشتغال افزایش یابد. با تبدیل این جزایر به قطب تجاری و اقتصادی، ارزآوری و رونق اقتصادی منطقه بیشتر خواهد شد. جزایر سه‌گانه به دلیل موقعیت جغرافیایی، طبیعت بکر و تاریخی که می‌توانند به مقصد گردشگری تبدیل شوند. در واقع، پروژه‌های توسعه‌ای در این جزایر می‌توانند فرصت‌های شغلی متعددی برای نیروی کار محلی و غیر محلی ایجاد کنند، به طوری که جمعیت فعال و متخصص آن‌ها در مناطق شوند. از این رو، سرمایه‌گذاری و توسعه در جزایر سه‌گانه، نه تنها در راستای منافع ملی و امنیت اقتصادی ایران است بلکه به شکل قابل توجهی به رونق و پیشرفت پایدار مناطق جنوبی کشور کمک می‌کند و زمینه‌ساز رشد متوازن و ماندگار برای این منطقه خواهد بود.